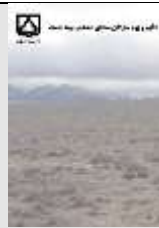




Semnan University

Climate and Ecosystem of Arid and Semi-arid Regions

<https://ceasr.semnan.ac.ir>



Research Article

Factors Affecting Physical-Spatial Developments in Rural Settlements with Emphasis on Land Use Case Study: Shiraz Sepidan Tourism Axis

Sohiela Mohammadi^{a*}, Manijeh Ahmadi^b and Behroz Mohammadi yaganeh^c

^a Department of Geography, University of Zanjan, Iran

^b Department of Geography, University of Zanjan, Iran

^c Department of Geography, University of Zanjan, Iran

ARTICLE INFO

Article type:

Research Full Paper

Article history:

Received 7 January 2022

Accepted 20 March 2022

Available online 21 March 2022

Keywords:

Physical-spatial developments,
Land use changes,
Rural settlements,
Shiraz-Sepidan tourism axis.

EXTENDED ABSTRACT

Background and Objectives: The present study was conducted with the aim of identifying and explaining the factors affecting the physical-spatial changes in rural settlements of Shiraz-Sepidan tourism axis with an emphasis on land use changes. Therefore, it is practical in terms of purpose and objective subjective in terms of epistemology, and it is a mixed method and simultaneous strategy in terms of method.

Materials and Methods: In order to analyze the information, grounded theory and Delphi were used in the qualitative method and the single-sample t-test was used in the quantitative method.

Findings: The results in the quantitative part showed that land use changes have acted as a key and determining factor in the physical-spatial changes in the villages of the Shiraz-Sepidan tourism axis. These changes have transformed the spatial, economic, social and environmental structure of these villages through complex and multi-layered mechanisms. Meanwhile, based on the results in the qualitative section using the grounded theory method, the categories: development of tourism infrastructure, land and housing market pressure, government policies and regional planning, changing livelihood patterns and local economies, booming remote work, and increasing demand for secluded places and nature as causal factors, the categories: natural and geographical features, strategic location and accessibility, cultural and social capital, demographic conditions and human resources, and economic potentials as contextual factors, and the categories: economic-livelihood, socio-cultural, environmental and physical, institutional-management, and technological-infrastructural, were extracted as effective intervening factors in the physical-spatial developments of rural settlements with an emphasis on land use changes by the interviewees.

Results: The results of this research clearly show that tourism development in the Shiraz-Sepidan axis has acted like a double-edged sword. On the one hand, the creation of tourism infrastructure and improved accessibility have created new economic opportunities for local residents and brought new income generation by changing livelihood patterns from traditional agriculture to tourism-related activities. On the other hand, these developments have had significant social and environmental costs that require smart management. In explaining this phenomenon, we can point to the key role of "land use" as the connecting link

* Corresponding author: example@Semnan.ac.ir

between all dimensions of development. Land use change is not only a physical transformation, but also a reflection of the interaction of economic forces, government policies, and social values. The results of the study show how regional planning policies, market demand for second homes, and natural attractions have together shaped a new pattern of residence and activity in this tourism axis. This interaction and interaction of various factors has led to the formation of a complex and multi-layered texture of physical-spatial transformations. Finally, the findings of this study contain important policy messages for regional planners and managers. Success in managing rural settlement transformations requires adopting a comprehensive and integrated approach that can balance different dimensions of development economic, social, environmental, and physical. Future planning should move towards a model of sustainable tourism development that by accurately understanding the mechanisms affecting spatial changes, simultaneously pays attention to preserving the cultural and environmental identity of the region and provides sustainable livelihood opportunities for local communities. This research clearly shows that without considering the multidimensional consequences of land use changes, achieving balanced and sustainable development in rural areas will face serious challenges.



مقاله پژوهشی

عوامل مؤثر بر تحولات کالبدی- فضایی سکونتگاه‌های روستایی با تأکید بر کاربری

اراضی (مورد مطالعه: محور گردشگری شیراز- سپیدان)

سهیلا محمدی^{1*}، منیژه احمدی² و بهروز محمدی یگانه³

1- دانشجوی دکتری جغرافیا، گروه برنامه ریزی روستایی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران

2- استادیار گروه جغرافیا، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران

3- دانشیار گروه جغرافیا، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران

*: نویسنده مسئول sohilamohammadi97@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله کامل علمی- پژوهشی تاریخ دریافت: 01/03/01 تاریخ پذیرش: 01/08/22 واژه‌های کلیدی: تحولات کالبدی-فضایی، تغییرات کاربری اراضی، سکونتگاه‌های روستایی، محور گردشگری شیراز- سپیدان.	سابقه و هدف: پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر تحولات کالبدی-فضایی سکونتگاه‌های روستایی محور گردشگری شیراز- سپیدان با تأکید بر تغییرات کاربری اراضی انجام شده است. از این رو، به لحاظ هدف، کاربردی و از جنبه معرفتی دارای ماهیت عینی-ذهنی و از لحاظ روش آمیخته و استراتژی همزمان قرار دارد. مواد و روش‌ها: به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات از تئوری زمینه‌ای و دلفی در روش کیفی و از آزمون t تک نمونه‌ای در روش کمی استفاده شده است. یافته‌ها: نتایج در بخش کمی نشان داد که تغییرات کاربری اراضی به عنوان عامل کلیدی و تعیین‌کننده در تحولات کالبدی-فضایی روستاهای محور گردشگری شیراز- سپیدان عمل کرده است. این تحولات از طریق مکانیسم‌های پیچیده و چندلایه، ساختار فضایی، اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی این روستاها را دگرگون ساخته است. در این بین، بر اساس نتایج در بخش کیفی با استفاده از روش تئوری زمینه‌ای، مقولات: توسعه زیرساخت‌های گردشگری، فشار بازار زمین و مسکن، سیاست‌های دولتی و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، تغییر الگوی معیشت و اقتصاد محلی و رونق کار دور و افزایش تقاضای بر مکان خلوت و طبیعت به عنوان عواملی علی، مقولات: ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی، موقعیت استراتژیک و دسترسی، سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی، شرایط جمعیتی و نیروی انسانی و پتانسیل‌های اقتصادی به عنوان عوامل زمینه‌ای و مقولات: اقتصادی-معیشتی، اجتماعی-فرهنگی، محیط‌زیستی و کالبدی، نهادی-مدیریتی و فناورانه-زیرساختی، به عنوان عوامل مداخله‌گر مؤثر در تحولات کالبدی-فضایی سکونتگاه‌های روستایی با تأکید بر تغییرات کاربری اراضی از سوی مصاحبه-شوندگان استخراج شد.

نتیجه گیری: نتایج این پژوهش به خوبی نشان می‌دهد که توسعه گردشگری در محور شیراز- سپیدان، همچون شمشیری دو لبه عمل کرده است. از یکسو، ایجاد زیرساخت‌های گردشگری و بهبود دسترسی، فرصت‌های اقتصادی جدیدی را برای ساکنان محلی ایجاد کرده و با تغییر الگوی معیشت از کشاورزی سنتی به فعالیت‌های وابسته به گردشگری، درآمدزایی جدیدی را به ارمغان آورده است. اما از سوی دیگر، این تحولات، هزینه‌های اجتماعی و محیط‌زیستی قابل توجهی داشته که نیازمند مدیریت هوشمندانه است. در تبیین این پدیده، می‌توان به نقش کلیدی "کاربری اراضی" به عنوان حلقه اتصال تمامی ابعاد توسعه اشاره کرد. تغییر کاربری اراضی تنها یک تحول فیزیکی نیست، بلکه بازتابی از تقابل نیروهای اقتصادی، سیاست‌های دولتی و ارزش‌های اجتماعی است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که چگونه سیاست‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای، تقاضای بازار برای ویلاهای دوم، و جاذبه‌های طبیعی در کنار هم، الگوی نوینی از سکونت و فعالیت را در این محور گردشگری شکل داده‌اند. این تقابل و تعامل عوامل مختلف، منجر به شکل‌گیری بافتی پیچیده و چندلایه از تحولات کالبدی- فضایی شده است. در نهایت، یافته‌های این پژوهش حاوی پیام‌های سیاستی مهمی برای برنامه‌ریزان و مدیران منطقه‌ای است. موفقیت در مدیریت تحولات سکونتگاه‌های روستایی، مستلزم اتخاذ رویکردی همه‌جانبه‌نگر و یکپارچه است که بتواند بین ابعاد مختلف توسعه - اقتصادی، اجتماعی، محیط‌زیستی و کالبدی - تعادل برقرار کند. برنامه‌ریزی آتی باید با شناخت دقیق مکانیسم‌های تأثیرگذار بر تحولات فضایی، به سمت الگویی از توسعه پایدار گردشگری حرکت کند که همزمان هم به حفظ هویت فرهنگی و محیط‌زیستی منطقه توجه داشته باشد و هم فرصت‌های معیشتی پایدار را برای جوامع محلی فراهم آورد. این پژوهش به خوبی نشان می‌دهد که بدون در نظر گرفتن تبعات چندبعدی تغییرات کاربری اراضی، دستیابی به توسعه متوازن و پایدار در مناطق روستایی با چالش‌های جدی مواجه خواهد بود.

1. مقدمه مراجع هایلایت سبز در متن، در لیست نهایی وجود ندارند

علیرغم رشد شتابان شهرنشینی در جهان، الگوی زیست روستایی کماکان به عنوان شیوه‌ای منحصربه‌فرد و تأثیرگذار در اسکان جمعیت و سازماندهی فعالیت‌های انسانی مطرح است (عمار، 2013: 61). این سکونتگاه‌ها را می‌توان عرصه‌های جغرافیایی و چشم‌اندازهای مکانی-فضایی دانست که حاصل برهم‌کنش و تلفیق پیچیده‌ای از عوامل طبیعی و نیروهای فرهنگی-انسانی هستند (Sadeghi و Monshizadeh, 2010: 118). در تحلیل پویایی این عرصه‌ها باید در نظر داشت که هر نظام فضایی، از جمله روستاها، نه تنها از نیروها و روندهای درونی محیط خود اثر می‌پذیرد، بلکه به‌صورت فعال و اغلب شکننده‌ای تحت تأثیر نیروها و روندهای بیرونی ناحیه‌ای، ملی و حتی جهانی قرار دارد (صادقی و همکاران، 2018: 20). این تعامل پویا بین عوامل درونی و بیرونی است که در نهایت سیر تحولات کالبدی-فضایی و کارکردی سکونتگاه‌های روستایی را شکل می‌دهد. در این راستا، تغییرات کاربری اراضی به عنوان تجلی عینی و عملیاتی همین تعامل پویا، نقش سازنده یا مخربی در جهت‌دهی به ماهیت و مسیر تحولات کالبدی-فضایی سکونتگاه‌های روستایی ایفا می‌کند. از این رو، سطح زمین در مناطق روستایی در اثر فعالیت‌های انسانی پیوسته در حال تغییر است (Vijayana و همکاران، 2021)، که این تغییرات در شدیدترین حالت ممکن می‌تواند با نوع کاربری زمین به صورت منطقه‌ای ارتباط داشته باشد. تغییر کاربری زمین و پوشش زمین (LULCC) یک اصطلاح کلی برای تغییر سطح زمین توسط انسان است (Daatakullo و همکاران، 2021). تغییر کاربری اراضی شامل تغییر نوع کاربری‌ها و تغییر در نحوه‌ی پراکنش و الگوهای فضایی فعالیت‌ها و کاربری‌ها می‌باشد (Briassoulis و همکاران، 2000)، به طوری که متغیرها و عوامل مختلفی را در سطوح متفاوت اجتماعی و فضایی در برمی‌گیرد (Valbuena و همکاران، 2010)، و اثرات برجسته‌ای در توازن اکوسیستم، تجدید نسل و آسایش و رفاه دارد (Srivastaia و همکاران، 2012). در همین راستا، نگاه اصلی تغییرات کاربری اراضی در سکونتگاه‌های روستایی، با توسعه گردشگری دلالت دارد. گردشگری

روستایی از جنبه کالبدی-فضایی معمولاً پیامدهای متفاوتی دارد که نتایج مثبت آن شامل بهبود و توسعه زیرساخت‌ها، مقاوم-سازی مساکن، حفظ بافت و الگوی اولیه روستا، استفاده از مواد و مصالح موجود در روستا برای ساخت و ساز، حفظ الگوی معماری بومی سنتی و تولید محصولات کشاورزی جهت عرضه به گردشگران و نتایج منفی شامل فرسودگی راه‌ها و شبکه‌های ارتباطی به دلیل تردد زیاد، تخریب آثار و بناهای تاریخی، تغییر و جابجایی بافت سکونتگاه‌ها، عدم استفاده از مواد و مصالح بومی، تغییر در شیوه ساخت و ساز، تغییرات کاربری زمین و رشد و ازدحام جمعیت است (Jafari و Shakhali، 2016). در پی این فرایند، همواره سکونتگاه‌های روستایی در ایران نیز در معرض دگرگونی‌هایی قرار می‌گیرند که اغلب در بیرون و داخل از عرصه‌های روستایی شکل می‌گیرند و جلوه‌های گوناگون آن‌ها در عرصه‌های روستایی به صور مختلف در زمینه‌های متنوع تجلی می‌یابند، که یکی از عوامل مؤثر در دگرگونی‌ها، توسعه گردشگری است که به صورت یک پدیده خود انگیخته و فاقد انسجام، برنامه منظم و مدیریت کنترل شده است (عمار، 2006؛ رضوانی، 2005؛ پوررمضان و قاسمی و سمسه جانی، 2009). توسعه گردشگری بدون برنامه در ایران می‌تواند به محیط‌زیست طبیعی آسیب برساند، و موجب هدایت کشاورزان به فعالیت‌های غیرکشاورزی و توسعه ساخت و ساز با الگویی نامنظم در مناطق مسکونی شود (Dong و همکاران، 2008). از این رو، تغییرات کاربری زمین در مقاصد گردشگری به حدی است که زمین از تأمین نیازهای ساکنین روستایی فاصله گرفته و به وسیله‌ای برای رضایت گردشگران تبدیل می‌شود. همچنین، روستاها از فرم سنتی روستایی خود خارج شده و با محدودیت جغرافیایی خود در میان تعاملات میان مدیران محلی، روستاییان، سرمایه‌داران با تقاضای شدیدی از هجوم گردشگران مواجه می‌شود (Xi و همکاران، 2015). در این راستا، محور گردشگری شیراز-سپیدان به دلیل برخورداری از مناظر طبیعی بکر، آب‌وهوای مطبوع و جاذبه‌های تاریخی، به یکی از قطب‌های مهم گردشگری در جنوب ایران تبدیل شده است. این محور که از شهر شیراز آغاز می‌شود و به سمت شهرستان سپیدان امتداد می‌یابد، از میان سکونتگاه‌های روستایی عبور می‌کند که هر یک دارای پتانسیل‌های گردشگری منحصر به فردی هستند، با این حال، توسعه گردشگری در این منطقه، تغییرات گسترده‌ای در کاربری اراضی و تحولات کالبدی-فضایی روستاها ایجاد کرده است. بر این مبنا، با افزایش تقاضا برای خدمات گردشگری، زمین‌های کشاورزی و مرتعی در این محور به تدریج به کاربری‌های مسکونی، تجاری و خدماتی تغییر یافته‌اند. این تغییرات به ویژه در روستاهای نزدیک به جاذبه‌های گردشگری مشهود است. برای مثال، زمین‌هایی که پیش‌تر برای کشاورزی یا باغداری استفاده می‌شدند، اکنون به اقامتگاه‌های بوم‌گردی، رستوران‌ها و فروشگاه‌های صنایع دستی تبدیل شده‌اند. این روند اگر چه به توسعه اقتصادی منطقه کمک کرده، ولی در عین حال، منجر به کاهش زمین‌های کشاورزی و فشار بر منابع طبیعی شده است. افزایش ساخت و سازها و تغییرات کاربری اراضی، فشار بر منابع طبیعی مانند آب، خاک و پوشش گیاهی را افزایش داده و همچنین با افزایش تردد گردشگران و فعالیت‌های مرتبط با گردشگری، آلودگی محیط‌زیست و تخریب چشم‌اندازهای طبیعی را به همراه داشته است. از سوی دیگر، به دلیل افزایش قیمت زمین، دسترسی ساکنین محلی را به زمین‌های کشاورزی و مسکونی محدود کرده و وابستگی جوامع محلی را به درآمدهای غیرکشاورزی افزایش داده است. بنابراین گسترش تغییرات کاربری اراضی از تأثیر-پذیری گردشگری در این محور تأثیرات قابل توجهی بر تحولات کالبدی-فضایی روستاها داشته است، به طوری که الگوی معماری سنتی روستاها را تغییر داده و این موضوع به تضعیف هویت فرهنگی و معماری منطقه منجر شده است، و با ورود گردشگران به روستاها و به دلیل نبود یک رویکرد پایدار و برنامه‌ریزی، محیط‌های روستایی این محور شاهد شکل‌گیری هر چه بیشتر نمادهای مدرن (فروشگاه‌های زنجیره‌ای، فروشگاه‌های خرده فروشی خاص، رستوران‌ها و ...) در روستاها هستند. از این رو، با توجه به روند رو به افزایش تحولات کالبدی-فضایی در روستاهای مورد مطالعه، لازم است با تحلیل وضعیت تغییرات کاربری اراضی در روستاها، عوامل و نیروهایی که می‌توانند بستر ساز تحولات کالبدی-فضایی در محور گردشگری شیراز-سپیدان باشند، مورد بررسی و شناخت بیشتری قرار گیرند. در این راستا، مطالعه عوامل مؤثر بر تحولات کالبدی-فضایی

سکونتگاه‌های روستایی در محور گردشگری شیراز-سپیدان از چند جهت دارای اصالت نظری است. نخست، این پژوهش در پیوند میان دو حوزه کلیدی «برنامه‌ریزی روستایی» و «جغرافیای گردشگری» قرار می‌گیرد و به درک چگونگی تأثیرپذیری ساختار فیزیکی و الگوی کاربری اراضی سکونتگاه‌ها از فشارها و فرصت‌های ناشی از توسعه گردشگری می‌پردازد. این تحقیق با تمرکز بر «کاربری اراضی» به عنوان شاخصی عینی و قابل سنجش از تحولات فضایی، می‌تواند به غنای چارچوب‌های نظری در زمینه تبیین مکانیسم‌های تغییر شکل سکونتگاه‌های روستایی تحت تأثیر گردشگری کمک شایانی نموده و شکاف موجود در ادبیات مربوط به اثرات فضایی-کالبدی گردشگری در مقیاس محورهای گردشگری را پر کند. از جنبه کاربردی، یافته‌های این پژوهش می‌تواند نقشه راه عملیاتی برای نهادهای متولی فراهم آورد. برای «استاندارداری فارس» و «اداره کل راه و شهرسازی»، نتایج این مطالعه می‌تواند مبنایی برای تدوین «طرح‌های آمایشی» و «ضوابط منطقه‌ای کاربری اراضی» باشد تا توسعه گردشگری در این محور، به شکل برنامه‌ریزی شده و پایدار هدایت شود. برای «دهیاری‌ها و شوراهای اسلامی» روستاهای مورد مطالعه، درک این عوامل به آنان کمک می‌کند تا در مقابل تغییرات ناخواسته کاربری اراضی (مانند تغییر باغات و زمین‌های کشاورزی به اماکن اقامتی و تجاری) موضعی فعالانه گرفته و برای حفظ هویت و پایداری محیطی روستای خود برنامه‌ریزی کنند. در نهایت، این پژوهش با شناسایی دقیق روندهای تحول کالبدی، به «سرمایه‌گذاران بخش خصوصی» کمک می‌کند تا با آگاهی از چارچوب‌های توسعه منطقه، تصمیم‌های سرمایه‌گذاری مسئولانه‌تری اتخاذ نمایند.

1-1. ادبیات تحقیق

مطالعات داخلی و خارجی مختلفی در حیطه این پژوهش انجام شده است. بنابراین، در این قسمت از پژوهش سعی شد تنها به مطالعاتی که با موضوع تحقیق همخوانی دارند، پرداخته شود. Sedighi و همکاران (2017) در پژوهشی تحت عنوان عوامل کالبدی و سیاسی مؤثر بر تغییر کاربری اراضی شهرستان محمودآباد، به این نتایج دست یافتند که مهم‌ترین عوامل کالبدی تغییر کاربری عبارتند از: توریستی بودن منطقه، فشار توسعه شهر، افزایش ساخت‌وساز ویلاهای اجاره‌ای و گسترش حمل‌ونقل و ارتباطات. در بعد سیاسی-حقوقی نیز عوامل مهم و مؤثر عبارتند از: برخورد ضعیف با قانون‌شکنان، ضعف دستگاه‌های اجرایی در اطلاع‌رسانی به مالکان زمین‌های کشاورزی درباره نوع کاربری و ممنوعیت تغییر کاربری، ضعف نظارت دستگاه‌های دولتی، و فساد اداری و باندهای بین برخی از کارکنان. Javanshiri و همکاران (2019) در پژوهشی تحت عنوان بررسی عوامل مؤثر بر تحولات کالبدی-فضایی سکونتگاه‌های روستایی مجموعه شهری مشهد، با استفاده از روش‌های اسنادی و میدانی به این نتایج دست یافتند که همجواری با کلانشهر مشهد با وزن 0.3556، شاخص‌های اقتصادی با وزن 0.457 و سیاسی-مدیریتی با وزن 0.2464 بیشترین و در مقابل شاخص‌های محیطی کمترین تأثیر را در تحولات کالبدی سکونتگاه‌های روستایی مجموعه شهری مشهد داشته است. از این رو، با توجه به نتایج همبستگی پیرسون تأثیر شاخص‌های مؤثر بر تحولات کالبدی-فضایی روستایی در محدوده حریم شهری مشهد و روستاهای نزدیک‌تر بیشتر بوده و به تغییر کارکردی این روستاها نیز منجر شده است. از سوی دیگر برابند پژوهش Keshvardoost و Amar (2010) در پژوهشی تحت عنوان آسیب‌شناسی کالبدی-فضایی توسعه گردشگری در روستاهای ساحلی (مطالعه موردی: شهرستان رشت)، حاکی از تأثیرات نظام نوین جهانی بر ابعاد کالبدی-فضایی کشورهای جنوب و در نهایت در ساختار روستاها، گسترش فضاهای ناهمگن تقاضامحور و پدیدآیی پیامدهای کالبدی ناسازگار و مداخله غیرنظام‌مند در مناطق ساحلی و پسرانه‌ای بوده است. از این رو، فقدان برنامه‌ریزی می‌تواند عدم تحقق آثار مثبت گردشگری و بوجود آمدن پیامدهای منفی به ویژه در بعد کالبدی-فضایی را در پی داشته باشد و با توجه به لزوم حفظ این منبع جهت تأمین نیازهای نسل کنونی و آتی می‌بایست مورد استفاده اصولی قرار گیرد. Sadeghloo و Erfani (2021) در پژوهشی با عنوان تحلیل عوامل تغییر کاربری اراضی در نواحی روستایی با استفاده از رویکرد تئوری بنیانی (مطالعه موردی: روستاهای بخش شاندیز) با استفاده از روش تئوری زمینه‌ای، به این نتایج دست یافتند که عوامل اجتماعی و حقوقی مهم‌ترین

عوامل وقوع تغییر کاربری اراضی مزروعی به مسکونی مهم‌ترین نوع تغییر کاربری زمین و اثرات زیست‌محیطی مهم‌ترین نتایج حاصل از تغییرات کاربری در نواحی مورد مطالعه هستند. Vishkaei و همکاران (2023) در پژوهشی تحت عنوان «تحولات کالبدی-فضایی سکونتگاه‌های روستایی با تأکید بر گردشگری» (مطالعه موردی: روستاهای ساحلی شهرستان رشت) به این نتایج دست یافتند که گردشگری بر تحولات چهارگانه (معماری مسکن روستایی، تغییر در بافت و نظام کالبدی، تغییر در نظام کارکردی و تغییر در نظام ارتباطی) تأثیر زیادی داشته است. در مؤلفه تحولات معماری مسکن روستایی، روستاهای باغ‌امیریکنده با مقدار 3.78، علی‌زیباکنار با مقدار 3.25 و طالش محله با مقدار 3.22 در طبقه سوم (تأثیر زیاد) بیشترین میزان تأثیرپذیری از گردشگری را داشته‌اند و سایر روستاها در طبقه دوم (تأثیر متوسط) جای گرفته‌اند. در بعد تغییر در بافت و نظام کالبدی، روستای علی‌زیباکنار با مقدار 3.11 بیشترین میزان تأثیرپذیری را به خود اختصاص داده و سایر روستاها در طبقه دوم قرار گرفتند. همچنین در تغییر نظام‌های کارکردی و ارتباطی، تمام روستاهای مورد مطالعه در طبقه دوم (تأثیر متوسط) واقع شدند. علاوه بر این، نتایج مدل آراس فازی (FARAS) نشان داد که مؤلفه «تغییر در بافت و کالبد روستا» با وزن 0.413 و «تغییرات در نظام ارتباطی» با وزن 0.390، به ترتیب بیشترین و کمترین میزان تأثیرپذیری از گردشگری را در بین روستاهای ساحلی شهرستان رشت به خود اختصاص داده‌اند. Franco و Magalhaes (2022) در پژوهشی تحت عنوان ارزیابی تناسب اکولوژیک تغییر کاربری زمین در مناطق حاشیه‌ای روستایی در جنوب شرقی پرتغال، به این نتایج دست یافتند که تجزیه و تحلیل تغییر کاربری و تناسب زمین از تحلیل سیاست کاربری زمین پشتیبانی می‌کند. بر این اساس، نتایج نشان داد که چگونه سیاست‌های گذشته تناسب چشم‌انداز کاربری اراضی را در نظر نگرفته است. تولید کم مزارع کاج سنگی، چالش اصلی برنامه‌ریزی و احیای این منظر است. این مطالعه علاوه بر برجسته کردن چگونگی این مشکلات ناشی از استفاده‌های ناکافی از زمین در گذشته، که توسط سیاست‌های کشاورزی ملی و اروپایی ترویج شده است، مناطقی را نشان می‌دهد که اقدامات بازایی چشم‌انداز باید در آنها تأمین مالی شود. Yang و همکاران (2022) در پژوهشی تحت عنوان تحول فضایی روستایی تحت تأثیر گردشگری در ایکسمن چین، به این نتایج دست یافتند که گردشگری بیشتر فضاهای روستایی از فضای تولیدی به فضای مصرفی را تبدیل کرده است، به نحوی که بسیاری از کشاورزان املاک مسکونی خود را تغییر کاربری داده‌اند. با بررسی پیشینه پژوهش‌های داخلی و خارجی و مقایسه آن با موضوع عوامل مؤثر بر تحولات کالبدی فضایی سکونتگاه‌های روستایی با تأکید بر کاربری اراضی در محور گردشگری شیراز-سپیدان، می‌توان به این نتایج دست یافت که از نظر شباهت، مطالعاتی مانند Sedighi و همکاران (2017)، Javanshiri و همکاران (2019) و نیز پژوهش Yang (۲۰۲۲) همگی بر نقش محوری «گردشگری» به عنوان عامل شتاب‌دهنده تغییرات کاربری اراضی و دگرگونی‌های کالبدی در نواحی روستایی تأکید دارند و عوامل اقتصادی، نظارتی و موقعیت جغرافیایی را به عنوان متغیرهای کلیدی به اشتراک می‌شناسند. با این حال، تفاوت متمایزکننده پژوهش حاضر در تمرکز ویژه بر «محور گردشگری شیراز-سپیدان» به عنوان یک بستر جغرافیایی-کارکردی واحد و پیوسته است، برخلاف مطالعات پیشین که عمدتاً بر یک روستا، شهرستان یا مجموعه‌ای از روستاهای پراکنده تمرکز کرده‌اند. این پژوهش با نگاه به محور به عنوان یک سیستم یکپارچه، در پی درک پویایی‌های فضایی و تعامل عوامل در طول یک محور ارتباطی-گردشگری است، حال آنکه بیشتر تحقیقات پیشین Vishkaei و همکاران (2023) به بررسی روستاها به صورت منفرد و در نقطه‌ای خاص پرداخته‌اند. همچنین، این تحقیق با تلفیق همزمان عوامل درونی-روستایی و فرادستی-منطقه‌ای، درصدد ارائه تحلیلی نظام‌مند و همه‌جانبه‌تر از نحوه تأثیرگذاری گردشگری بر الگوی تحولات کالبدی-فضایی است. تغییر کاربری اراضی و از دست رفتن حاصلخیزی خاک در اثر شهرنشینی سریع و گسترده، یک نیروی محرک اصلی اثرگذار بر تغییر شرایط محیط‌زیستی منطقه‌ای و جهانی است (Costanza و همکاران، 1997). این تغییرات شدید به طور فعال باعث تغییر ویژگی‌های فیزیکی، شیمیایی و زیستی اکوسیستم‌های منطقه‌ای شده است (Deng و همکاران، 2011). همچنین، این عامل، نابرابری‌های

محیط‌زیستی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در مقیاس محلی، ملی و جهانی را ایجاد خواهد کرد (Shahsavari و Akbari, 2018)، همانطور که برنامه‌ریزی کاربری اراضی در یک منطقه، بدون در نظر گرفتن شرایط اجتماعی-اقتصادی غیرممکن است، توجه نکردن به پتانسیل اکولوژیکی و محیط‌زیست منطقه نیز به کاهش منابع طبیعی منجر خواهد شد (Taghavaye Salimi و همکاران، 2008). محیط‌زیست کلیه کالاها و خدمات را در اختیار ما قرار می‌دهد که اساس زندگی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و معنوی (Ndubisi و همکاران، 1995) زندگی ما را تشکیل می‌دهد. رفاه و آسایش انسان به ظرفیت مداوم اکوسیستم‌ها در محیط‌زیست به عنوان یک کل بستگی دارد تا از مزایای آن بهره‌مند شود (Leman و همکاران، 2015). عوامل متعددی از جمله استخراج معادن و منابع هیدروکربونی (Xi و همکاران، 2015)، استخراج بی‌رویه منابع آب زیرزمینی، آلودگی آب‌های سطحی (Trenouth و Gharabaghi، 2015)، فرسایش خاک، تهدید قلمرو حیات وحش، تخریب مناظر طبیعی، رشد سریع شهرها (Steiner و همکاران، 2000)، آلودگی هوا، تغییر کاربری اراضی برای اهداف کشاورزی و شهری، تأثیرات منفی و مخربی را بر مناطق حساس محیط‌زیستی دارد. تغییرات کاربری اراضی، سیستم‌های طبیعی و انسانی را در مقیاس جهانی و منطقه‌ای تغییر می‌دهد (Solecki، 2001). از این رو، به طور کلی تغییرات کاربری اراضی در روستاها در نتیجه مجموعه‌ای از تغییرات اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، نهادی-سیاسی و تغییرات رفتار جمعی تا فردی شکل می‌گیرد (Maina و Thuo، 2010) و گردشگری به عنوان عوامل اجتماعی و معیشتی تغییر کاربری و تخریب اراضی کشاورزی در هر ناحیه‌ای محسوب می‌شود. نبود شفافیت‌های قانونی و وجود بندها و تبصره‌های مختلف درباره تغییر کاربری اراضی، مشخص نبودن مسئولیت نظارتی و تصمیم‌گیری شورایی از عوامل سیاسی و ساختاری اصلی تغییر کاربری اراضی است. علل تغییر کاربری اراضی بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه متفاوت است. در کشورهای توسعه یافته، تغییر کاربری زمین ریشه در دلایل اقتصادی مانند کشاورزی بزرگ مقیاس، توسعه شهری و افزایش نیاز به نگهداری کیفیت محیط‌زیست برای نسل فعلی و نسل‌های آتی دارد. اما در کشورهای در حال توسعه، رشد سریع جمعیت، فقر و موقعیت اقتصادی عوامل اصلی می‌باشد (Nigal و همکاران، 2008)، (به نقل از Jorjani، 2009). در کشور ایران نیز رشد شتابان شهرنشینی در سال‌های اخیر و متعاقب آن تغییر و تحولات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی به همراه شکل‌گیری و گسترش جابجایی‌های جمعیتی و به ویژه مهاجرت‌های روستا-شهری، موجب تغییر و تحولات ساختاری و کالبدی، فضایی وسیع در فضاهای انسانی اعم از روستاها گردیده است. به نحوی که تحولات کالبدی-فضایی روستاها را در سال‌های اخیر که تحت تأثیر روند شتابان شهرگرایی در مقابل روستاگرایی قرار دارد را هم از لحاظ کیفی و هم از نظر کمی با تحولات بنیادین روبرو ساخته است (Hosseini Hasel، 2010). در این بین، یکی از عوامل مؤثر در تحولات کالبدی-فضایی، ارتباط بین شهر و روستا است. در این راستا، Saeedi و Soltani (2004) و Afrakhteh و همکاران (2015) معتقدند که جریان‌های فضایی متفاوتی بین مادرشهر و سکونتگاه‌های روستایی پیرامون وجود دارد که این جریان‌ها بسیاری از تحولات روستاها را تشکیل داده‌اند. روستاهای واقع در حوزه مادرشهری تحولات در ابعاد مختلف را سریع‌تر پشت سر می‌گذارند، وابستگی متقابل مادرشهر و روستاهای اطراف، چشم‌انداز روستایی را با چشم‌انداز شهری دگرگون می‌سازند که این امر موجب تحول ساختاری-کارکردی بومی می‌شود؛ و این تحولات در همه ابعاد و همه روستاهای ناحیه مثبت نبوده و تحولات منفی را نیز (نظیر تغییر کاربری اراضی زراعی و باغی، گسترش الگوی مسکن شهری) در پی داشته است. Saeedi و Hosseini Hasel (2007) در پژوهشی تحت عنوان «ادغام کلان‌شهری سکونتگاه‌های روستایی (با نگاهی به کلان‌شهر تهران و پیرامون)»، فرآیند ادغام و الحاق اراضی و سکونتگاه‌های روستایی در حوزه کلان‌شهری را نتیجه فرآیند جهانی شدن و رشد شتابان شهرنشینی دانسته‌اند. Amir Entekhabi (2013) و Amar (2013) عنوان کرده‌اند که در چند سال اخیر، آسیب‌پذیری در برابر حوادث طبیعی، تغییر در کارکرد سکونتگاه‌های روستایی و ضعف در وابستگی کارکردی از عمده‌ترین چالش‌های کالبدی روستاها است و گرایش روزافزون ساکنین روستاها به تغییر

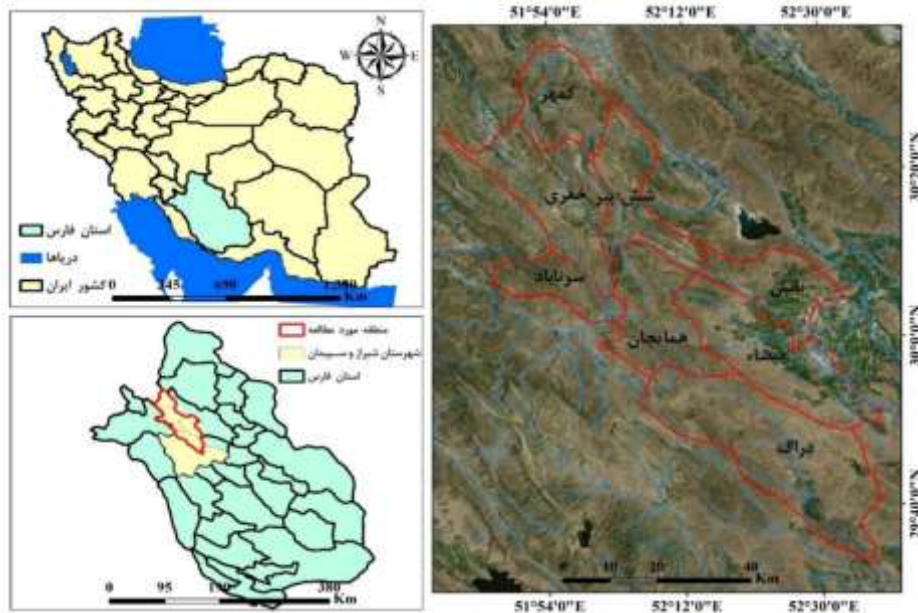
کاربری اراضی زراعی و تبدیل آنها به قطعات قابل فروش زمین برای احداث خانه‌های دوم ضمن تغییر بافت اجتماعی فرهنگی روستاهای ناحیه، به تغییر چشم‌انداز روستایی، تحول بافت کالبدی و تغییر ساختاری کارکردی روستاها انجامیده است. Sadeghi و Monshizadeh (2010) از تغییرات در قیمت اراضی، تغییر در الگوی مسکن، تغییرات زیست‌محیطی، تحولات اجتماعی و تغییر در عملکردهای سکونتگاه‌های روستایی به عنوان مهم‌ترین تحولات روستاهای پیرامونی نامبرده است. Sadeghi و همکاران (2018) نشان دادند که عوامل و نیروهای مختلف با ابعاد محیطی- اکولوژیک، اجتماعی و اقتصادی به صورت هم‌افزا در فرایند دگرگونی سکونتگاه‌های ناحیه اثرگذار بوده‌اند و در عرصه‌های مختلف، از جمله بهره‌گیری از فناوری، تغییر کاربری اراضی، محدودیت‌های فعالیت کشاورزی، گسترش واحدهای صنعتی و تغییر در الگوهای رفتار اجتماعی قابل ردیابی است. هر چند این پیامدها در بعضی عرصه‌ها موجب توسعه روستایی شهری شده، اما تعارضاتی نیز در عرصه‌های کالبدی فضایی به همراه داشته است. بنابراین، سکونتگاه‌های انسانی به طور مداوم در حال رشد و توسعه هستند و این تحول در ماهیت عناصر نظم فضایی و چیدمان فضایی آنها نیز اتفاق می‌افتد (Zakavat, 2011: 117). پویایی روستاها در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و فضایی قابل بررسی و ملاحظه است. پویایی روستاها در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و فضایی قابل بررسی و ملاحظه است. این خصیصه از پویایی افراد و گروه‌های جامعه روستایی برای اعمال نگرش‌ها و علایق خود در ساخت فعالیت‌ها و شکل دادن به کالبد و فضای مورد استفاده، به کالبد و فضای مورد استفاده، با رویارویی با عوامل محدودکننده تمایلاتشان، در شکل دادن به فضا و کالبد روستا ناشی می‌شود. بنابراین، پذیرش پویایی و تغییر دائمی در جامعه انسانی موجب الزام به پذیرش تغییرات دائمی و پویایی روستا در ابعاد مختلف آن است و آگاهی از ساختار فضایی و کالبدی روستاها می‌تواند یکی از عوامل تأثیرگذار در میزان موفقیت برنامه‌ریزان باشد و به بهبود محیط‌های روستایی کمک شایانی بنماید (Yosefian و Ghadami, 2014). از این رو، چارچوب نظری این پژوهش بر دو محور اساسی استوار است. نخست، تغییر کاربری اراضی به عنوان پدیده‌ای کلیدی شناخته می‌شود که نه تنها ساختار فیزیکی سکونتگاه‌های روستایی، بلکه تمامی ابعاد زیست‌محیطی، اقتصادی- معیشتی و اجتماعی- فرهنگی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این تغییرات در نتیجه تعامل پیچیده‌ای از عوامل اقتصادی (مانند فشار بازار زمین)، اجتماعی (مانند تغییر الگوی معیشت و مهاجرت) و سیاسی- نهادی (مانند سیاست‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای و ضعف نظارتی) شکل می‌گیرد. همانطور که مطالعات جهانی نشان می‌دهند، این تحولات می‌توانند به نابرابری‌های محیط‌زیستی و اقتصادی دامن زده و ظرفیت اکوسیستم‌ها برای ارائه خدمات پایدار را تضعیف نمایند. در ادامه، این چارچوب بر نقش روابط شهر-روستا و به ویژه توسعه گردشگری به عنوان یک عامل شتاب‌دهنده و جهت‌دهنده به تغییرات کاربری اراضی تمرکز دارد. بنابراین، تحولات کالبدی- فضایی در این چارچوب نه به عنوان پدیده‌ای مستقل، بلکه به عنوان نتیجه تعامل پویای سه‌گانه «تغییر کاربری اراضی»، «روابط شهر-روستا» و «توسعه گردشگری» درک می‌شود که در بستر خاص جغرافیایی-اقتصادی ایران و تحت تأثیر فرآیندهای کلانی چون جهانی شدن و شهرنشینی شتابان قرار دارد.

2. مواد و روش‌ها

2-1. منطقه پژوهش

محور گردشگری شیراز- سپیدان در محدوده جغرافیایی بین $29^{\circ} 00'$ تا $30^{\circ} 30'$ عرض شمالی و $51^{\circ} 45'$ تا $52^{\circ} 30'$ طول شرقی واقع شده است. این محور از مرکز شهر شیراز (با مختصات تقریبی $29^{\circ} 30'$ شمالی و $52^{\circ} 00'$ شرقی) آغاز شده و به سمت شمال غربی امتداد می‌یابد. شهر سپیدان (اردکان) در انتهای این محور در موقعیت $30^{\circ} 15'$ شمالی و $51^{\circ} 51'$ شرقی قرار دارد. مسیر این محور از مناطق مهمی مانند دشت ارژن، منطقه حفاظت شده ارژن و پریشان، گردنه قمشلو و

دره‌های زاگرس میانی عبور می‌کند. ارتفاع این محور از حدود ۱۵۰۰ متر در دشت شیراز تا بیش از ۲۸۰۰ متر در ارتفاعات سپیدان متغیر است که این تغییرات ارتفاعی نقش مهمی در تنوع آب و هوایی و زیستی منطقه داشته است. موقعیت قرارگیری این محور در دامنه‌های زاگرس جنوبی، باعث شده که از یک سو به جلگه شیراز و از سوی دیگر به ارتفاعات استان کهگیلویه و بویراحمد دسترسی داشته باشد. شهرستان سپیدان دارای مختصات جغرافیایی ۵۱ درجه و ۵۹ دقیقه طول جغرافیایی و ۳۰ درجه و ۱۶ دقیقه عرض جغرافیایی به مرکزیت اردکان در شمال غربی استان فارس و در همسایگی شیراز، در دره‌ای زیبا و چشم‌نواز در دامنه سرچشمه شش‌پیر و کوه گر و در زاگرس مرکزی (اصلی) قرار دارد. ارتفاع مرکز این شهرستان (اردکان) ۲۲۴۰ متر بالاتر از سطح دریای آزاد است.



شکل ۱. موقعیت محور گردشگری شیراز- سپیدان

Fig. 1 Location map of the study area

2-2. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از جنبه معرفتی دارای ماهیت عینی-ذهنی و از لحاظ روش آمیخته و استراتژی همزمان قرار دارد. جامعه آماری در پژوهش در بخش کمی شامل دو بخش است. بخش اول: کلیه سکونتگاه‌های روستایی بالای ۱۰۰ نفر جمعیت در محور گردشگری شیراز و سپیدان انتخاب شدند که در نهایت تعداد ۱۹ روستا تعیین شد. بخش دوم: کلیه جمعیت ساکن در روستاهای مورد مطالعه که مطابق با سرشماری مرکز آمار ایران تعداد ۲۴۰۴۰ نفر جمعیت می‌باشد که به منظور حجم نمونه از نمونه‌گیری تصادفی و فرمول کوکران استفاده شد. از این رو، تعداد ۳۸۷ نفر (ساکنین محلی) در روستاها تعیین شد. در این راستا، به نسبت جمعیت در روستاها، سهم حجم نمونه مطابق جدول ۱ تنظیم شد.

جدول ۱. جامعه آماری و حجم نمونه در روستاها

Table 1. Statistical population and sample size in villages					
نام شهرستان	نام دهستان	نام روستا	خانوار	جمعیت	تعداد نمونه
سپیدان	خفری	فارسیجان	۶۲	۳۲۰	۵
سپیدان	بانشی	ممو	۷۶	۲۳۵	۴
سپیدان	کمه‌ر	شیر بابا	۱۱۷	۳۰۳	۵
سپیدان	شش‌پیر	یرشنه	۸۷۲	۳۱۹۶	۵۲

سپیدان	شش پیر	بهرغان	901	3167	50
سپیدان	همایجان	دالین	684	2403	39
سپیدان	همایجان	سنگر	89	484	6
سپیدان	همایجان	رودبال	67	249	4
سپیدان	همایجان	حاجی اباد علی	51	148	3
سپیدان	همایجان	شول	41	144	3
سپیدان	همایجان	خلار	100	211	3
سپیدان	همایجان	قلعه میر آقا	44	167	4
سپیدان	همایجان	هماشهر	1129	3852	55
سپیدان	همایجان	اشکفت	50	165	3
سپیدان	همایجان	سه تلی	170	602	9
سپیدان	همایجان	قلعه خرابه	609	2060	35
شیراز	دراک	گلستان	466	1376	27
شیراز	دراک	کودیان	288	1005	24
شیراز	دراک	قلات	1157	3953	56
جمع	6	19	6973	24040	387

منبع: مرکز آمار ایران (1395) و برگرفته از محاسبات توسط پژوهشگران (1404)

Source: Statistical Center of Iran (2016) and derived from calculations by researchers (2015)

جامعه آماری در بخش کیفی: جامعه آماری پژوهش شامل متخصصان در حوزه جغرافیا (برنامه‌ریزی روستایی)، گردشگری، کارشناسان در سازمان‌های اجرایی، مدیران (اعضای شورا و روستاها) هستند، که تعداد حجم نمونه در بین آن‌ها بر اساس نمونه‌گیری هدفمند انجام شد و در نهایت تعداد 30 نفر تعیین شد. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای، اسنادی و میدانی هستند، و ابزار گردآوری اطلاعات نیز مصاحبه و پرسشنامه است. به منظور مصاحبه با پاسخگویان، پیش از اجرای مصاحبه اطلاعات کلی در باره عوامل مؤثر در تحولات کالبدی-فضایی ارائه شد. هنگام اجرای مصاحبه ابتدا پژوهشگر از افراد مشارکت‌کننده در پژوهش، درخواست نموده تا تجربه خود از پدیده مورد نظر را در قالب یک قصه یا داستان برگرفته از تجارب خود در زمینه موضوع پژوهش بیان نمایند. در مرحله بعد، هر مصاحبه تبدیل به متن شد و برای اطمینان نیز یک بار متن نوشته شده با متن مصاحبه تطبیق داده شد. همگام با جمع‌آوری داده‌ها و تبدیل مصاحبه‌ها به متن، کدگذاری و تحلیل داده‌ها نیز صورت گرفت تا مصاحبه‌ها معنایی شوند و اطلاعات به دست آمده از مصاحبه‌های قبلی به عنوان مبنا برای مصاحبه‌های بعدی استفاده شد. مصاحبه‌ها حدود یک ماه طول کشید، و هر مصاحبه تقریباً بین 60 الی 90 دقیقه به طول انجامید. مصاحبه‌ها تقریباً تا جایی که امکان دستیابی به داده‌های جدید دیگر فراهم نبود، ادامه یافت. به منظور تضمین اعتبار و پایایی یافته‌های کیفی این پژوهش، معیارهای چهارگانه گابا و لینکلن (باورپذیری، انتقال‌پذیری، اطمینان‌پذیری و تأییدپذیری) به کار گرفته شد. برای تحقق باورپذیری، فعالیت‌هایی همچون بازبینی داده‌ها توسط مشارکت‌کنندگان، مصاحبه عمیق و ثبت دقیق گفته‌ها انجام شد. انتقال‌پذیری از طریق ارائه توصیف‌های مبسوط از زمینه پژوهش و فرآیند تحقیق فراهم آمد. برای دستیابی به اطمینان‌پذیری (معادل پایایی)، بازبینی مجدد کدها توسط مصاحبه‌شوندگان و تأیید نهایی آن‌ها صورت گرفت. در نهایت، تأییدپذیری با ارائه مستندات و یافته‌ها به چندین متخصص و دریافت بازخوردهای سازنده از ایشان محقق گردید. این فرآیند جامع، دقت و قابلیت اتکای نتایج پژوهش کیفی را تضمین می‌نماید. در روش کمی نیز برای اعتباریابی پرسشنامه در ابتدا شاخص‌ها در قالب پرسشنامه

منعکس شد و در میان متخصصان، و اساتید دانشگاه توزیع شد و در نهایت با یک سری تغییرات؛ روایی مورد تأیید شد. سپس به منظور پایایی پژوهش، پرسشنامه در میان 30 نفر متخصص توزیع شد و در نهایت با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ مقدار 0/87 بدست آمده که نشان از پایایی قابل قبول پرسشنامه است. به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات از تئوری زمینه‌ای و دلفی در روش کیفی و از آزمون T تک‌نمونه‌ای در روش کمی استفاده شده است.

3. یافته‌های تحقیق

وضعیت موجود تحولات کالبدی-فضایی سکونتگاه‌های روستایی محور گردشگری شیراز-سپیدان با تأکید بر تغییرات کاربری اراضی به منظور ارزیابی وضعیت موجود تحولات کالبدی-فضایی سکونتگاه‌های روستایی با تأکید بر تغییرات کاربری اراضی در محور گردشگری شیراز-سپیدان، از آزمون تی تک‌نمونه‌ای استفاده شد. استفاده از آزمون تی تک‌نمونه‌ای در بررسی تحولات کالبدی-فضایی سکونتگاه‌های روستایی با تأکید بر تغییرات کاربری اراضی در محور گردشگری شیراز-سپیدان، به دلایل متعددی ضروری است. نخست آنکه این آزمون امکان مقایسه میانگین داده‌های گردآوری‌شده با یک مقدار معیار (در این مورد عدد ۳ به عنوان حد متوسط) را فراهم می‌کند، که به طور مستقیم می‌تواند میزان انحراف تحولات صورت گرفته از وضعیت مطلوب یا متوسط را مشخص کند. از آنجا که تغییرات کاربری اراضی به عنوان متغیری پیوسته و کمی قابل سنجش است، این آزمون ابزار مناسبی برای تشخیص معناداری آماری این تغییرات محسوب می‌شود. همچنین، با توجه به ماهیت چندبعدی تحولات کالبدی-فضایی، آزمون تی تک‌نمونه‌ای این امکان را فراهم می‌آورد تا هر یک از شاخص‌ها (مانند تغییر در شکل بافت روستا، توسعه ویلاها، تبدیل اراضی کشاورزی و غیره) به طور جداگانه مورد تحلیل قرار گیرند و اهمیت آماری هر یک به طور مستقل ارزیابی شود. این ویژگی به پژوهشگر کمک می‌کند تا دقیق‌تر بتواند اولویت‌های سیاستی و برنامه‌ریزی را شناسایی کند و منابع را به صورت بهینه تخصیص دهد. علاوه بر این، استفاده از این آزمون از آن جهت حائز اهمیت است که می‌تواند جهت تغییرات (مثبت یا منفی) و اندازه اثر آن را در هر شاخص مشخص کند. در نهایت، این آزمون به دلیل سادگی در تفسیر و توانایی در ارائه نتایج کمی و واضح، می‌تواند به عنوان ابزاری مؤثر برای ارتباط بین پژوهشگران، سیاست‌گذاران و جامعه محلی عمل کند و مبنای علمی مناسبی برای تصمیم‌گیری‌های مدیریتی فراهم آورد.

جدول 2. وضعیت تحولات کالبدی-فضایی سکونتگاه‌های روستایی با تأکید بر تغییرات کاربری اراضی

Table 2. Status of physical-spatial changes in rural settlements with emphasis on land use changes

شاخص	میانگین	T	سطح معناداری (2 دامنه)	فاصله اطمینان تفاوت 0/95	پایین	بالا
ایجاد مصالح جدید و مقاوم در روستا	3/62	27/776	0/000	3/76	3/45	
گسترش بافت فیزیکی روستا	3/43	27/544	0/000	3/54	3/32	
شکل و فرم بافت روستا	3/79	27/887	0/000	3/89	3/68	
پایداری سازه‌های مسکن روستا	3/52	27/665	0/000	3/67	3/40	
طراحی و ساخت مسکن در روستا	3/39	27/454	0/000	3/55	3/31	
سیما و منظر مسکن در روستا	3/30	27/413	0/000	3/47	3/19	
تحولات اجتماعی مسکن روستا	3/15	27/231	0/000	3/25	3/00	
عملکرد اقتصادی-مدیریتی مسکن روستا	3/43	27/522	0/000	3/54	3/21	

3/21	3/45	0/000	27/453	3/31	رفاه و آسایش مساکن روستا
3/45	3/69	0/000	27/665	3/56	وضعیت معابر درون روستا
3/12	3/35	0/000	27/334	3/24	بازگشایی و اصلاح معابر موجود روستا
3/47	3/85	0/000	27/811	3/71	عرض معابر، کف‌سازی پوشش و شیب معابر، روشنایی روستا
3/06	3/26	0/000	27/234	3/15	بازگشایی و بهسازی معابر موجود در روستا
3/21	3/48	0/000	27/432	3/33	تخریب اراضی زراعی و باغات روستا
3/03	3/22	0/000	27/243	3/13	دخل و تصرف در مراتع روستا
3/00	3/21	0/000	27/223	3/10	ساخت و ساز در حریم روستا
3/11	3/34	0/000	27/334	3/23	تولید زباله و فاضلاب‌ها در روستا
3/23	3/45	0/000	27/432	3/32	تخریب چشم‌انداز روستا
3/41	3/63	0/000	27/665	3/54	سطح آب‌های زیرزمینی در روستا
3/54	3/74	0/000	27/775	3/67	فعالیت و اشتغال در روستا
3/61	3/85	0/000	27/843	3/70	افزایش قیمت اراضی در روستا
3/44	3/67	0/000	27/664	3/56	نظام تولیدی و بهره‌برداری در روستا
3/54	3/71	0/000	27/765	3/60	کارگاه‌های صنعتی و مؤسسات اقتصادی جدید در روستا
3/43	3/67	0/000	27/665	3/52	زبان و آداب و رسوم محلی در روستا
3/21	3/48	0/000	27/432	3/33	تعامل اجتماعی و سنت‌های روستا
2/87	3/14	0/000	27/113	3/00	توزیع عادلانه کاربری‌های روستا
3/03	3/22	0/000	27/243	3/13	حمل و نقل عمومی در روستا
3/00	3/25	0/000	27/231	3/15	راه‌های ارتباطی روستایی
3/11	3/34	0/000	27/334	3/23	راه‌های برون روستایی
2/87	3/14	0/000	27/113	3/00	ترافیک شبکه‌های ارتباطی مجازی در روستا
3/07	3/25	0/000	27/232	3/17	بهبود ارتباطات و ... در روستا
3/76	3/89	0/000	27/876	3/77	تبدیل زمین‌های کشاورزی و مراتع به هتل‌ها، اقامتگاه‌های بوم گردشگری، رستوران‌ها و تفرجگاه‌ها در روستا
3/54	3/76	0/000	27/776	3/65	توسعه ویلاها و خانه‌های دوم توسط سرمایه‌گذاران شهری در روستا
3/25	3/47	0/000	27/439	3/35	جذب جمعیت جدید (مهاجرت معکوس از شهر با ورود نیروی کار خارج از روستا) در روستا
3/32	3/54	0/000	27/544	3/43	کاهش پوشش گیاهی روستا
3/43	3/65	0/000	27/665	3/50	آلودگی ناشی از زباله‌های گردشگران و فاضلاب‌های غیرمجاز روستا
3/42	3/67	0/000	27/658	3/56	تغییر سبک زندگی تحت تأثیر گردشگران در روستا
3/44	3/67	0/000	27/643	3/50	کاهش هویت محلی و تجاری شدن فرهنگ بومی روستا

منبع: یافته‌های تحقیق، 1404، Source: Research findings, 2025

نتایج تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون تی تک‌نمونه‌ای نشان می‌دهد که تغییرات کاربری اراضی به عنوان عامل کلیدی و تعیین‌کننده در تحولات کالبدی-فضایی روستاهای محور گردشگری شیراز-سپیدان عمل کرده است. این تحولات از طریق مکانیسم‌های پیچیده و چندلایه، ساختار فضایی، اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی این روستاها را دگرگون ساخته است، که

به شرح ذیل است: تغییر کاربری اراضی منجر به بازسازی کامل ساختار فضایی روستاها شده است. بالاترین میانگین مربوط به شاخص شکل و فرم بافت روستا (3/79) نشان‌دهنده اساسی‌ترین تغییر در سازمان فضایی روستاهاست. این تغییر تنها به معنای فیزیکی نیست، بلکه بیانگر دگرگونی در الگوی سکونتگاهی، نظام استقرار فضایی و روابط مکانی است. توسعه ویلاها و خانه‌های دوم (3/65) و تبدیل زمین‌های کشاورزی به تأسیسات گردشگری (3/77) نه تنها به گسترش افقی روستاها (3/43) انجامیده، بلکه عمق ساختاری و ماهیت فضایی این سکونتگاه‌ها را تغییر داده است. از سوی دیگر، تغییر کاربری اراضی، اقتصاد روستایی را از تولیدمحوری به خدمات‌محوری تبدیل کرده است. میانگین بالای افزایش قیمت اراضی (3/70) نشان‌دهنده ظهور اقتصاد رانتی زمین است که در آن زمین به کالایی سرمایه‌ای تبدیل شده است. این پدیده از یک سو به ایجاد مشاغل جدید (3/67) و توسعه کارگاه‌های اقتصادی (3/60) انجامیده، ولی از سوی دیگر منجر به تخریب پایه‌های تولیدی سنتی (3/33) و دخل و تصرف در مراتع (3/13) شده است. در ادامه نیز مطابق نتایج بدست آمده در جدول 2، تغییرات کاربری اراضی اثرات عمیق اکولوژیکی به همراه داشته است. شاخص‌هایی مانند کاهش پوشش گیاهی (3/43) و تخریب چشم‌انداز روستا (3/32) نشان‌دهنده آسیب‌پذیری سیستم‌های طبیعی در برابر فشار توسعه است. همچنین تولید زباله و فاضلاب (3/23) و آلودگی ناشی از گردشگران (3/50) بیانگر بار اضافی بر محیط‌زیست روستایی است. همچنین این تغییرات منجر به بازسازی ساختار اجتماعی و هویت فرهنگی شده است. تغییر سبک زندگی (3/56) و کاهش هویت محلی (3/50) نشان‌دهنده جایگزینی ارزش‌های سنتی با ارزش‌های بازارمحور است. از سوی دیگر، جذب جمعیت جدید (3/35) و تحول در تعامل اجتماعی (3/33) بیانگر شکل‌گیری نظم اجتماعی جدیدی است که بر پایه روابط گردشگری استوار شده است. در نهایت قابل ذکر است که تغییر کاربری اراضی مستلزم توسعه زیرساخت‌ها بوده است. بهبود وضعیت معابر (3/56) و عرض معابر و روشنایی (3/71) پاسخ به نیازهای جدید گردشگری است. با این حال، این توسعه نامتوازن بوده و "حمل و نقل عمومی" (3/13) و "بازگشایی معابر" (3/15) همچنان نیازمند توجه هستند.

شناسایی عوامل مؤثر بر تحولات کالبدی فضایی سکونتگاه‌های روستایی با تأکید بر کاربری اراضی در سکونتگاه‌های روستایی محور گردشگری شیراز-سپیدان

به منظور بررسی و شناسایی مجموعه عوامل مؤثر در تحولات کالبدی-فضایی سکونتگاه‌های روستایی با تأکید بر کاربری اراضی؛ در مجموع 30 مصاحبه عمیق صورت گرفت. مصاحبه‌ها (بین 60 تا 90 دقیقه) ضبط و یادداشت و بلافاصله پیاده شد تا با مرور چند باره گفتگوها، تحلیل و بررسی دقیق‌تری نسبت به دیدگاه‌های خبرگان انجام شود. در این راستا، عوامل در سه بخش (علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر) مورد بررسی قرار گرفت که در ادامه به شرح هر یک از آن‌ها پرداخته شده است.

- عوامل علی

عوامل علی باعث شکل‌گیری پدیده با طبقه محوری می‌شوند. این عوامل مجموعه‌ای از طبقه‌ها و ویژگی‌هایشان است که مقوله اصلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. جدول 3، عوامل علی که منجر به تحولات کالبدی-فضایی سکونتگاه‌های روستایی با تأکید بر کاربری اراضی در سکونتگاه‌های روستایی در محور گردشگری می‌شوند، شامل: توسعه زیرساخت‌های گردشگری، فشار بازار زمین و مسکن، سیاست‌های دولتی و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، تغییر الگوی معیشت و اقتصاد محلی و رونق کار دور و افزایش تقاضای بر مکان خلوت و طبیعت هستند.

جدول 3. عوامل علی مؤثر در تحولات کالبدی-فضایی سکونتگاه‌های روستایی با تأکید بر کاربری اراضی

مقوله (طبقات)	مفاهیم	مصاحبه شوندگان
توسعه زیرساخت‌های گردشگری	ایجاد جاده‌های دسترسی جدید و گسترش شبکه ارتباطی	X11, X13, X17, X19
	توسعه اقامتگاه‌های بوم‌گردی و هتل‌های محلی	

ایجاد رستوران‌ها و مراکز پذیرایی در حریم روستاها		
X22, X24, X26, X29	افزایش قیمت زمین‌های روستایی در برخی مناطق	فشار بازار زمین و مسکن
	تقاضای فزاینده برای ساخت ویلا و خانه‌های دوم توسط شهرنشینان	
	سوداگری زمین و تغییر کاربری‌های سریع برای کسب درآمد بیشتر	
X1, X2, X4, X7	اجرای طرح‌های جامع گردشگری بدون ارزیابی اثرات محیط- زیستی	سیاست‌های دولتی و برنامه ریزی منطقه‌ای
	سرمایه‌گذاری در پروژه‌های بزرگ بدون در نظرگیری توان اکولوژیک	
	معافیت‌های مالیاتی برای سرمایه‌گذاران بخش گردشگری	
	ارائه تسهیلات بانکی برای پروژه‌های گردشگری	
X13, X17, X18, X20	گذار از اقتصاد تولیدمحور به خدمت‌محور	تغییر الگوی معیشت و اقتصاد محلی
	افزایش هزینه‌های تولید کشاورزی	
	جذابیت مالی گردشگری	
X3, X5, X4, X6, X7	گریز از شلوغی شهرها و کاهش تمایل به سفرهای خارجی	رونق کار دور و افزایش تقاضای بر مکان خلوت و طبیعت
	امکان اقامت طولانی مدت در روستاها برای شهرنشینان شاغل	

منبع: یافته‌های تحقیق، 1404؛ Source: Research findings, 2025

در این بین، به منظور میزان موافقت مصاحبه‌شوندگان نسبت به هر یک از عوامل شناسایی شده از روش دلفی استفاده شد. از این رو، هر یک از عوامل علی در قالب پرسشنامه منعکس و در میان افراد توزیع شد. نظرسنجی صورت گرفته در دو مرحله انجام شد و اختلاف بین دو مرحله نیز مورد بررسی قرار گرفت (جدول 4).

جدول 4. میانگین دیدگاه‌های خبرگان حاصل از نظرسنجی مراحل اول و دوم در عوامل علی

Table 4. Average expert views from the first and second stage survey on causal factors

عامل علی	مقدار کریسپ مرحله اول	مقدار کریسپ مرحله دوم	اختلاف مقدار کریسپ
توسعه زیرساخت‌های گردشگری	0/577	0/589	0/012
فشار بازار زمین و مسکن	0/559	0/569	0/010
سیاست‌های دولتی و برنامه ریزی منطقه‌ای	0/560	0/567	0/007
تغییر الگوی معیشت و اقتصاد محلی	0/567	0/570	0/004
رونق کار دور و افزایش تقاضای برای مکان خلوت و طبیعت	0/550	0/560	0/010

منبع: یافته‌های تحقیق، 1404؛ Source: Research findings, 2025

مطابق نتایج روش دلفی در جدول 4، متخصصان در رابطه با عوامل علی مطرح شده در مرحله دوم نسبت به مرحله اول موافقت بیشتری داشتند، و همچنین مطابق جدول 2، بیشترین میزان اختلاف در بین مراحل اول و دوم به مقدار 0/012 در عامل توسعه

زیرساخت‌های گردشگری است. در ادامه نیز بر اساس رویکرد داستان‌سرایی به بررسی هر یک از عوامل علی مطرح شده پرداخته شده است.

عوامل زمینه‌ای (بستر حاکم)

به عوامل خاصی که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند، بستر گفته می‌شود و تمایز آن‌ها از عوامل علی مشکل است. این عوامل را مجموعه‌ای از مفاهیم، طبقه‌ها یا متغیرهای زمینه‌ای تشکیل می‌دهند، در مقابل، عوامل علی مجموعه‌ای از متغیرهای فعال است. متغیرهای بسیار مرتبط را ذیل عوامل علی و متغیرهایی با ارتباط کمتر را ذیل بستر حاکم طبقه‌بندی می‌کنند. جدول 5، عوامل زمینه‌ای که منجر به تحولات کالبدی-فضایی سکونتگاه‌های روستایی با تأکید بر کاربری اراضی در سکونتگاه‌های روستایی در محور گردشگری می‌گردد شامل: (ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی، موقعیت استراتژیک و دسترسی، سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی، شرایط جمعیتی و نیروی انسانی و پتانسیل‌های اقتصادی) هستند.

جدول 5. عوامل زمینه‌ای مؤثر در تحولات کالبدی-فضایی سکونتگاه‌های روستایی با تأکید بر کاربری اراضی

Table 5. Background factors affecting physical-spatial changes in rural settlements with emphasis on land use

مقوله (طبقات)	مفاهیم	مصاحبه‌شوندگان
ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی	نوع ارتفاع در طول محور وجود چشمه‌های معدنی و منابع آب متعدد برخورداری از آب و هوای معتدل کوهستانی	X1, X2, X4, X3, X6, X9, X14
موقعیت استراتژیک و دسترسی	فاصله کم از کلانشهر شیراز (کمتر از 2 ساعت دسترسی) قرارگیری در مسیر ارتباطی استان‌های همجوار نزدیکی به مناطق حفاظت شده آرژن و پریشان	X11, X15, X19, XC21
سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی	وجود آیین‌ها و مراسم محلی خاص معماری بومی و دانش سنتی ساخت و ساز صنایع دسترس بومی (قالی‌بافی و گیلیم‌بافی) و فرهنگ مهمان‌نوازی و استقبال از گردشگران	X22, X23, X24, X29, X30
شرایط جمعیتی و نیروی انسانی	وجود نیروی کار جوان و جویای کار دانش بومی در مدیریت منابع طبیعی قابلیت آموزش‌پذیری و انعطاف جامعه محلی حضور نخبگان محلی در عرصه‌های مختلف	X13, X19, X20, X21, X22, X25, X26, X28
پتانسیل‌های اقتصادی	امکان توسعه کشاورزی ارگانیک قابلیت توسعه صنایع دستی و محلی امکان توسعه گردشگری سلامت پتانسیل توسعه گردشگری ماجراجویانه قابلیت توسعه اکوتوریسم پایدار	X28, X29, X30

منبع: یافته‌های تحقیق، 1404؛ Source: Research findings, 2025

در این بین، به منظور میزان موافقت مصاحبه‌شوندگان نسبت به هر یک از عوامل شناسایی شده از روش دلفی استفاده شد. از این رو، هر یک از عوامل زمینه‌ای در قالب پرسشنامه منعکس و در میان افراد توزیع شد. نظرسنجی صورت گرفته در دو مرحله صورت گرفت و اختلاف بین دو مرحله نیز مورد بررسی قرار گرفته شد.

جدول 6. میانگین دیدگاه‌های خبرگان حاصل از نظرسنجی مراحل اول و دوم در عوامل زمینه‌ای

Table 6. Average expert views from the first and second phase surveys on contextual factors

عوامل زمینه‌ای	مقدار کریسپ مرحله اول	مقدار کریسپ مرحله دوم	اختلاف مقدار کریسپ
ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی	0/560	0/566	0/006
موقعیت استراتژیک و دسترسی	0/559	0/570	0/011
سرمايه‌های فرهنگی و اجتماعی	0/552	0/562	0/010
شرایط جمعیتی و نیروی انسانی	0/600	0/608	0/008
پتانسیل‌های اقتصادی	0/589	0/593	0/004

منبع: یافته‌های تحقیق، 1404؛ Source: Research findings, 2025

مطابق نتایج روش دلفی در جدول 6، متخصصان در رابطه با عوامل زمینه‌ای مطرح شده در مرحله دوم نسبت به مرحله اول موافقت بیشتری داشتند، و همچنین مطابق شکل 3، بیشترین میزان اختلاف بین مراحل اول و دوم، با مقدار 0/011، در عامل موقعیت استراتژیک و دسترسی است. در ادامه نیز بر اساس رویکرد داستان‌سرایی به بررسی هر یک از عوامل زمینه‌ای مطرح شده پرداخته شد. عوامل مداخله‌گر عواملی هستند که راهبردها از آن‌ها متأثر می‌شوند. این عوامل را مجموعه‌ای از متغیرهای میانجی و واسط تشکیل می‌دهند که مداخله سایر عوامل را تسهیل یا محدود می‌کنند و صبغه علی و عمومی دارند (جدول 7). عوامل مداخله‌گر تأثیرگذار در تحولات کالبدی-فضایی سکونتگاه‌های روستایی با تأکید بر کاربری اراضی در سکونتگاه‌های روستایی در محور گردشگری، شامل: اقتصادی-معیشتی، اجتماعی-فرهنگی، محیط‌زیستی و کالبدی، نهادی-مدیریتی و فناورانه-زیرساختی هستند.

جدول 7. عوامل مداخله‌گر مؤثر در تحولات کالبدی-فضایی سکونتگاه‌های روستایی با تأکید بر کاربری اراضی

Table 7. Effective intervening factors in physical-spatial developments of rural settlements with emphasis on land use

مقوله (طبقات)	مفاهیم	مصاحبه شوندگان
اقتصادی-معیشتی	وابستگی شدید به درآمدهای فصلی گردشگری فقدان تنوع اقتصادی سرمايه‌گذاری‌های کلان خارج از کنترل جامعه محلی	X12, X17, X19, X21
اجتماعی-فرهنگی	تضاد بین نسل‌ها (تمایل جوانان به مشاغل خدماتی گردشگری و عدم علاقه به ادامه کشاورزی و دامداری) کاهش انسجام اجتماعی (مهاجرت نیروی کار خارجی به روستاها و ایجاد شکاف بین جامعه میزبان و مهمان) تغییر الگوی مصرف (گرایش به کالاهای وارداتی و کاهش مصرف تولیدات محلی) کاهش حافظه جمعی و دانش بومی (فراموشی روش‌های سنتی مدیریت منابع آب و خاک)	11, X15, X19, X22, X26, X30
محیط‌زیستی و کالبدی	تخریب پوشش گیاهی و فشار بر منابع طبیعی (ساخت و ساز در حریم مراتع برای توسعه امکانات گردشگری) افزایش پسماند و فاضلاب	X13, X19, X20, X22, X30

X, X4, X9, X5, X7, X10	عدم نظارت بر تغییر کاربری اراضی کشاورزی و ساخت و سازهای غیرمجاز	نهادی-مدیریتی
	موازی کاری بین میراث فرهنگی، جهاد کشاورزی و محیط زیست	
	عدم توسعه سیستم های آبرسانی، دفع فاضلاب و مدیریت پسماند همگام	
	با رشد گردشگری	
	فقدان برنامه ریزی مشارکتی (عدم استفاده از جامعه محلی در تصمیم گیری-	
	های مربوط به توسعه گردشگری)	
X11, X14, X19, X20, X29	دسترسی ناکافی به اینترنت پرسرعت	فناورانه-زیرساختی
	نقص در سیستم حمل و نقل عمومی	
	فقدان سیستم های بازیافت	

منبع: یافته های تحقیق، 1404؛ Source: Research findings, 2025

در این بین، به منظور میزان موافقت مصاحبه شوندگان نسبت به هر یک از عوامل شناسایی شده از روش دلفی استفاده شد. از این رو، هر یک از عوامل مداخله گر در قالب پرسشنامه منعکس و در میان افراد توزیع شد. نظرسنجی صورت گرفته در مرحله صورت گرفت و اختلاف بین دو مرحله نیز مورد بررسی قرار گرفته شد.

جدول 8. میانگین دیدگاه های خبرگان حاصل از نظرسنجی مراحل اول و دوم در عوامل مداخله گر

Table 8. Average expert views from the first and second stage survey on intervening factors

عوامل مداخله گر	مقدار کریسپ مرحله اول	مقدار کریسپ مرحله دوم	اختلاف مقدار کریسپ
اقتصادی-معیشتی	0/550	0/560	0/010
اجتماعی-فرهنگی	0/556	0/570	0/003
محیط زیستی و کالبدی	0/567	0/571	0/004
نهادی-مدیریتی	0/560	0/571	0/011
فناورانه-زیرساختی	0/556	0/572	0/016

منبع: یافته های تحقیق، 1404؛ Source: Research findings, 2025

مطابق نتایج روش دلفی در جدول، متخصصان در رابطه با عوامل مداخله گر مطرح شده در مرحله دوم نسبت به مرحله اول موافقت بیشتری داشتند، و همچنین مطابق شکل (4)، بیشترین میزان اختلاف در بین مرحله اول و دوم با مقدار اختلاف 0/016 در عامل (فناورانه-زیرساختی) است. در ادامه نیز بر اساس رویکرد داستان سرایی به بررسی هر یک از عوامل مداخله گر مطرح شده پرداخته شد.

4. نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل مؤثر بر تحولات کالبدی فضایی سکونتگاه های روستایی با تأکید بر کاربری اراضی در محور گردشگری شیراز-سپیدان، انجام شده است. از این رو، بر اساس نتایج در بخش کمی پژوهش نشان داد که تغییرات کاربری اراضی به عنوان عامل کلیدی و تعیین کننده در تحولات کالبدی-فضایی روستاهای محور گردشگری شیراز-سپیدان عمل کرده است. این تحولات از طریق مکانیسم های پیچیده و چندلایه، ساختار فضایی، اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی این روستاها را دگرگون ساخته است. در این بین، نتایج در بخش کیفی به دنبال بررسی عوامل مؤثر بر تحولات کالبدی-فضایی بود. از این رو، نتایج روش تئوری زمینه ای نشان داد که مقولات: توسعه زیرساخت های گردشگری، فشار بازار زمین و مسکن، سیاست های دولتی و برنامه ریزی منطقه ای، تغییر الگوی معیشت و اقتصاد محلی و رونق کار دور و افزایش تقاضای برای مکان

خلوت و طبیعت به عنوان عواملی علی، مقولات: ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی، موقعیت استراتژیک و دسترسی، سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی، شرایط جمعیتی و نیروی انسانی و پتانسیل‌های اقتصادی به عنوان عوامل زمینه‌ای و مقولات: اقتصادی- معیشتی، اجتماعی- فرهنگی، محیط‌زیستی و کالبدی، نهادی- مدیریتی و فناوریانه- زیرساختی، به عنوان عوامل مداخله‌گر از سوی مصاحبه‌شوندگان استخراج شد. نتایج پژوهش حاضر از جنبه‌های کلیدی با پیشینه تحقیق همسو است. برای نمونه، تأکید مطالعاتی مانند Sedighi و همکاران (2017) بر "توریستی بودن منطقه" و "افزایش ساخت‌وساز" و همچنین یافته‌های Yang (2022) در مورد "تغییر فضاهای تولیدی به مصرفی"، به وضوح در مقوله‌های استخراج شده حاضر مانند "توسعه زیرساخت‌های گردشگری" و "رونق کار دور" بازتاب یافته است. با این حال، آنچه نوآوری این پژوهش را شکل می‌دهد، تلفیق نظام‌مند این عوامل در یک مدل علی- زمینه‌ای- مداخله‌گر است. برخلاف پیشینه که غالباً به بررسی پراکنده عوامل پرداختند، این تحقیق نشان می‌دهد که چگونه "سیاست‌های دولتی" (عامل علی) در تعامل با "سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی" (عامل زمینه‌ای) و تحت تأثیر "محیط‌زیستی" (عامل مداخله‌گر)، تحولات کالبدی- فضایی را در یک محور گردشگری مشخص و پیوسته شکل می‌دهند. این نگاه سیستماتیک، درک عمیق‌تری از پویایی‌ها و مکانیسم‌های چندلایه مؤثر بر تغییر کاربری اراضی در مقایسه با مطالعات پیشین که اغلب به روابط خطی بسنده می‌کردند، ارائه می‌دهد. در این راستا، نتایج این پژوهش به خوبی نشان می‌دهد که توسعه گردشگری در محور شیراز- سپیدان، همچون شمشیری دو لبه عمل کرده است. از یکسو، ایجاد زیرساخت‌های گردشگری و بهبود دسترسی، فرصت‌های اقتصادی جدیدی را برای ساکنان محلی ایجاد کرده و با تغییر الگوی معیشت از کشاورزی سنتی به فعالیت‌های وابسته به گردشگری، درآمدزایی جدیدی را به ارمغان آورده است. اما از سوی دیگر، این تحولات، هزینه‌های اجتماعی و محیط‌زیستی قابل توجهی داشته که نیازمند مدیریت هوشمندانه است. فشار بازار زمین و مسکن، دگرگونی در بافت اجتماعی و فرهنگی جوامع محلی، و تخریب محیط‌زیست از جمله این تبعات منفی هستند. در تبیین این پدیده، می‌توان به نقش کلیدی "کاربری اراضی" به عنوان حلقه اتصال تمامی ابعاد توسعه اشاره کرد. تغییر کاربری اراضی تنها یک تحول فیزیکی نیست، بلکه بازتابی از تقابل نیروهای اقتصادی، سیاست‌های دولتی و ارزش‌های اجتماعی است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که چگونه سیاست‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای، تقاضای بازار برای ویلاهای دوم، و جاذبه‌های طبیعی در کنار هم، الگوی نوینی از سکونت و فعالیت را در این محور گردشگری شکل داده‌اند. این تقابل و تعامل عوامل مختلف، منجر به شکل‌گیری بافتی پیچیده و چندلایه از تحولات کالبدی- فضایی شده است. در نهایت، یافته‌های این پژوهش حاوی پیام‌های سیاستی مهمی برای برنامه‌ریزان و مدیران منطقه‌ای است. موفقیت در مدیریت تحولات سکونتگاه‌های روستایی، مستلزم اتخاذ رویکردی همه‌جانبه- نگر و یکپارچه است که بتواند بین ابعاد مختلف توسعه - اقتصادی، اجتماعی، محیط‌زیستی و کالبدی - تعادل برقرار کند. برنامه‌ریزی آتی باید با شناخت دقیق مکانیسم‌های تأثیرگذار بر تحولات فضایی، به سمت الگویی از توسعه پایدار گردشگری حرکت کند که همزمان هم به حفظ هویت فرهنگی و محیط‌زیستی منطقه توجه داشته باشد و هم فرصت‌های معیشتی پایدار را برای جوامع محلی فراهم آورد. این پژوهش به خوبی نشان می‌دهد که بدون در نظر گرفتن تبعات چندبعدی تغییرات کاربری اراضی، دستیابی به توسعه متوازن و پایدار در مناطق روستایی با چالش‌های جدی مواجه خواهد بود.

5. سپاس‌گزاری

نویسندگان از همه افراد، به دلیل مشاوره و راهنمایی علمی و مشارکت آنها در این مقاله تشکر و قدرانی می‌نمایند.

6. داده‌ها و اطلاعات

مبنای داده‌ها و اطلاعات مقاله حاضر، رساله دکتری نویسنده اول است.

7. تعارض منافع

در این مقاله، تعارض منافع وجود ندارد و این مسأله مورد تأیید همه نویسندگان است.

8. مشارکت نویسندگان

با توجه اینکه مقاله حاضر مستخرج از پایانامه دوره دکتری می باشد، سهم و نقش نویسنده اول، به عنوان دانشجوی پایان نامه، نویسنده دوم به عنوان راهنما و نویسنده سوم به عنوان استاد مشاور است و محتوای مقاله مورد تأیید نویسندگان است.

9. اصول اخلاقی

نویسندگان، اصول اخلاقی را در انجام و انتشار این اثر علمی رعایت نموده‌اند و این موضوع مورد تأیید همه آنها می باشد.

10. حمایت مالی

این مقاله حامی مالی نداشته است.

11. مراجع موارد هایلایت شده زیر را تکمیل کنید.

- Afrakhteh, H. Azizpour, F., & Zamani, M. (2015). Metropolitan links and physical-spatial changes in surrounding villages: A case study: Mohammadabad district, Karaj. *Housing and Rural Environment*, 34, 112-122.
- Amar, T. (2006). Investigation and analysis of the development of second homes in rural areas: A case study of Khorgam district, Rudbar county. *Quarterly Journal of Geographical Perspective*, 1(1), 65-78.
- Amar, T. (2013). Analysis of physical changes in rural settlements of Gilan province in order to develop a physical development model. *Journal of Physical-Spatial Planning*, 2(4), 60-72.
- Amir Entekhabi, Sh. (2013). Physical-spatial development of coastal villages in Gilan (Case study: Zibakanar basin). *Journal of Physical-Spatial Planning*, 2(4), 113-122.
- Briassoulis, H. (2009). Factors influencing land-use and land-cover change. Land cover, land use and the global change, encyclopaedia of life support systems (EOLSS), 1, 126-146.
- Chang, M. (2024). Exploring Issues and Strategies of Rural Land Use and Environmental Protection. *Academic Journal of Science and Technology*, 10(3), 32-36. <https://doi.org/10.54097/wysrrp56>.
- Costanza, R., Arge, R., Groot, R., Farber, S.,, & Belt, M. (1997). The value of the world's ecosystem services and natural capital. *Nature*, Vol. 387, United Kingdom, pp. 253-260.
- Daatakullo, E., Forkuo, E. K., Biney, E., Harris, E. & Quaye-Ballard, J. A. (2021). The impact of land use and land cover changes on socioeconomic factors and livelihood in the Atwima Nwabiagya district of the Ashanti region, Ghana. *Environmental Challenges*, 5, 100226. Doi: 10.1016/j.envc.2021.100226.
- Deng, H., Zheng, P., Liu, T., & Liu, X. (2011). Forest ecosystem services and eco-compensation mechanism in China. *Journal of Environmental Management*, 48, 1079-1085.
- Dong, R., Yu, L., & Liu, G. (2008). Impact of tourism development on landcover change in a matriarchal community in the Lugu Lake Area. *International Journal of Sustainable Development & World Ecology*, 15(1), 28- 35.

- Franco, L., & Magalhães, M. R. (2022). Assessing the ecological suitability of land-use change. Lessons learned from a rural marginal area in southeast Portugal. *Land Use Policy*, 122.
- Ghadami, M., Aligholizadeh Firouzjaei, N., & Bordi Anamarnejad, R. (2009). Investigating the role of tourism in destination land use changes (Case study: Nowshahr, central part of the city). *Regional and Urban Studies and Research*, 3(1), 21-42.
- Hosseini Hasel, S. (2010). A comparative study of the physical-spatial development trend of rural settlements around Tehran metropolis (after the Islamic Revolution) with emphasis on the rural complexes of Kahrizak and Rudbar Ghasran. PhD Thesis in Geography and Rural Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.
- jafari, H., & shakhali, M. (2016). Tourism's Role in the Physical and Functional Revolutionize of Rural Settlements (Case Study: Villages in the Central Subarea County of Lahijan). *Regional Planning*, 6(23), 191-200.
- Javanshiri, M., Anabestani, A. A., & Sajasi Gheidary, H. (2019). Investigating the factors affecting the physical-spatial changes in rural settlements of Mashhad urban complex. *Journal of Geography and Urban Space Development*, 6(2), 17-47. <https://doi.org/10.22067/gusd.v6i2.75067>
- Jorjani, H. (2009). Physical development of the city and its impact on the change of agricultural land use. Master's thesis, Faculty of Geography, University of Tehran.
- Leman, N., Firooz Ramli, M., & Puteri, R. (2015). GIS-based integrated evaluation of environmentally sensitive areas (ESAs) for land use planning in Langkawi Malaysia. *Ecological Indicators*, 61, 293-308.
- Monshizadeh, R., & Sadeghi, M. (2010). Spatial changes in peri-urban villages with emphasis on village-city interaction (Case study: Peri-urban villages of Noorabad Mamasani). *Human Settlements Planning Studies*, 5(12), 131-153.
- Ndubisi, F., Meo, T., & Ditto, N. (1995). Environmentally sensitive areas: A template for developing greenway corridors. *Landscape and Urban Planning*, 33, 159-177.
- Sadeghi, M., Saeedi, A., Monshizadeh, R., & Azizpour, F. (2018). The physical-spatial development trend of villages around Kashan during the period 1976-1976. *Quarterly Journal of Geography and Urban-Regional Planning*, 29, 36-49.
- Sadeghloo, T., & Erfani, Z. (2001). Analysis of factors of land use change in rural areas using a grounded theory approach. *Ahar Geographical Space Scientific Quarterly*, 21, 35-54.
- Saeedi, A., & Hosseini Hasel, S. (2007). Metropolitan integration of rural settlements: A case study of Tehran metropolis and its periphery [In Persian]. *Geography (Journal of the Iranian Geographical Association)*, 5(12-13), 7-18.
- Saeedi, A., & Soltani, R. (2004). The role of metropolitan linkages in the physical-spatial transformation of peripheral villages, a case study: Hesar villages in the metropolitan area of Mashhad. *Journal of Geography*, 2(3), 35-49.
- Sedighi, S., Darban Astana, A., & Rezvani, M. (2017). Investigation of physical and political factors affecting land use change in Mahmoud Abad. *Scientific and Research Quarterly Journal of Geographical Spatial Planning*, 7(2), 39-58.
- Shahsavari, A., & Akbari, M. (2018). Potential of solar energy in developing countries for reducing energy-related emissions. *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 90, 275-291.
- Solecki, D. (2001). The role of global-to-local linkages in land use/land cover changes in South Florida. *Ecological Economics*, 37, 339-356.

- Srivastava, P. K., Han, D., Rico-Ramirez, M. A., Bray, M., & Islam, T. (2012). Selection of classification techniques for land use/cover change investigation. *Advances in Space Research*, 50, 1250-1265. <http://dx.doi.org/10.1016/j.asr.2012.06.032>.
- Steiner, F., McSherry, L., & Kohen, J. (2000). Land suitability analysis for the upper Gila River watershed. *Landscape and Urban Planning*, 50, 199-214.
- Taghvaye Salimi, E., Soleimani, K., Habibnejad Roshan, M., & Sabetraftar, K. (2008). Land use planning for land management using the geographic information system (GIS) in the Loumir watershed of Guilan province in northern Iran. *Caspian Journal of Environmental Sciences*, 6(2), 141-149.
- Thuo, A., & Maina, D. (2010). Community and social responses to land use transformations in the Nairobi rural-urban fringe, Kenya. *Field Actions Science Reports* [Online], Special Issue 1.
- Trenouth, W., & Gharabaghi, B. (2015). Soil amendments for heavy metals removal from storm water runoff discharging to environmentally sensitive areas. *Journal of Hydrology*, 529, 1478-1487.
- Valbuena D., Verburg P. H., Bregt A. K., & Ligtenberg A. (2010). An agent-based approach to model land-use change at a regional scale. *Landscape Ecology*, 25(2), 185-199.
- Vijayan, A., Maina, J. M., Lawson, R., Chang, H. C., Beaumont, L. J., & Davies, P. J. (2021). Land use planning to support climate change adaptation in threatened plant communities. *Journal of Environmental Management*, 298, 113533. Doi: 10.1016/j.jenvman.2021.113533.
- Vishkaei, M., Amar, T., Pourramazan, A., & Basit Ghoreishi Minabad, M. (2013) Physical-spatial changes in rural settlements with emphasis on tourism (Case study: Coastal villages of Rasht city). *Quarterly Journal of Geographical Studies of Coastal Areas*, 4(1), 99-117.
- World Bank. (1992). World development report: development and environment. World Bank, Washington, D. C., 322 p.
- Xi, J., Kong, Q., & Wang, X. (2015). Spatial polarization of villages in tourist destinations: A case study from Yesanpo, China. *Journal of Mountain Science*, 12(4), 1038-1050.
- Yang, J., Ma, H., & Weng, L. (2022). Transformation of rural space under the impact of tourism: The case of Xiamen, China. *Land*, 11(6), 928. <https://doi.org/10.3390/land11060928>.
- Zakavat, K. (2011). The place of spatial organization in urban design. *Soffeh Journal*, 21(54), 107-122.